

پنج قاره

اعدام ۵متجاوز گروهی در افغانستان

● **بی‌بی‌سی:** پنج‌نفر از عاملان تجاوز گروهی در کابل اعدام شدند. این افراد بعدازظهر دیروز همراه با فردی که از آدمربایان مشهور بود اعدام شدند. پلیس کابل چندی قبل ۱۰ نفر را در ارتباط با دست‌داشتن در تجاوز گروهی در ولسوالی پغمان شناسایی و تعدادی از آنها را بازداشت کرد که پنج‌نفر از آنها در محاکم ثلاثه افغانستان به اعدام محکوم شدند. پلیس کابل می‌گوید سمفر دیگر که در تجاوز گروهی و سرقت مسلحانه پغمان دست داشتند فراری هستند. محمد ظاهر، فرمانده پلیس کابل، گفت یکی از آنها توانسته است از افغانستان خارج شود و دوفنر دیگر در جایی در داخل افغانستان پنهان شده‌اند. این تجاوز گروهی بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت. حلمد کزازی، رئیس‌جمهوری سابق افغانستان در آخرین روزهای کاری خود حکم اعدام این متهمان را امضا کرد. این افراد روز ۳۱ مرداد شماری از میهمانان یک جشن عروسی را در منطقه ده عربان ولسوالی پغمان در شمال‌غرب کابل متوقف کردند، پول نقد و زیورآلات آنها را دزدیدند و در باغی به چهار زن به‌صورت گروهی تجاوز کردند.

کشف ۴کیلو هرویین در مهدکودک

● **ایرنا:**پلیس ایالت «دلاویر» آمریکا مادر کودکی چهارساله را که با حمل نزدیک به چهار کیلوگرم هرویین در کیف مدرسه قصد داشت مواد را میان کودکان کودکستان توزیع کند به جرم قاچاق مواد مخدر و به‌خطرانداختن جان کودکش بازداشت کرد. زن ۳۰ساله، ۲۴۹ پسته کوچک هرویین با وزن تقریبی چهارکیلوگرم را به اسم بسته‌های آب‌نبات پودرشده در کیف دختر چهارساله خود گذاشت و از او خواست تا آنها را میان همکلاسی‌هایش توزیع کند. مسوولان کودکستان پس از مشاهده بسته‌های کوچک در دست کودکان آنها را جمع کردند و ماجرا را به پلیس ایالتی اطلاع دادند و ماموران پس از آزمایش ماجرا را کشف کردند.

مرگ خلبان

در عملیات مهار آتش‌سوزی

● **واحدمرکز** خبر: خلبان آمریکایی در عملیات مهار آتش‌سوزی در این کشور جان باخت. سخنگوی بخش آتش‌نشانی در کالیفرنیا مرگ این خلبان را در منطقه جنگلی یوسمیته تأیید کرد. آتش‌سوزی در پارک جنگلی یوسمیته تاکنون ۱۳۰هکتار را اراضی این منطقه را نابود کرده است و آتش‌نشانان موفق نشده‌اند شعله‌های آتش را مهار کنند. علت شروع آتش‌سوزی در این پارک جنگلی هنوز مشخص نشده است.

شرق، شاهد حلاج: «سیدسعید ویرانی» آتش‌نشان مشهودی است که هفته جاری تندیس «شجاعت و ایثار» دریافت کرد. او در جریان عملیات اطفای حریق در خانه‌ای برای نجات جان پسر ی نوجوان جان خودش را به‌خطر انداخت و دچار سوختگی شدید شد. ویرانی در گفت‌وگو با «شرق» از جزئیات حادثه می‌گوید:

۴ ماجرا چطور اتفاق افتاد؟

در ایستگاه آتش‌نشانی بودیم که به ما گزارش دادند خانه‌ای سه طبقه دچار آتش‌سوزی شده است. وقتی ما رسیدیم حجم آتش گسترده شده بود اما هنوز جای گسترش داشت چون داخل حیاط، پارچه و شیلنگ دیو شده بود. قبل از اینکه ما برسیم چند نفر از داخل آتش بیرون آمده بودند ولی مردی آنجا بود که می‌گفت هرچه گشته پسرش را پیدا نکرده و به احتمال زیاد هنوز در آتش گرفتار است. من اولین نفر داخل رفتم و آن پسر را در راه‌پله‌ها پیدا کردم، قصد داشتم او را بیرون بیاورم یا به پشت‌بام ببرم که نسبت به داخل ساختمان امن‌تر بود. در حال انجام این کار بودم که ناگهان آتش گسترش پیدا کرد و من تنها کاری که می‌توانستم انجام دهم این بود که آن پسر را با سرعت بیشتری به پشت‌بام بفرستم اما خودم در فلش‌آور (مرحله‌ای از آتش‌سوزی که شعله‌ها ناگهان زیاد و سپس خورده‌خود کم می‌شود) گیر کردم و لباس و کلاهم ذوب شد.

● **درباره لحظاتی توضیح بدهید که با مرگ**

دست‌وپنجه‌نرم می‌کردید.

وقتی آن پسر را به پشت‌بام هدایت کردم خودم در آتش گیر افتادم اما پس از کم‌شدن آتش، موفق شدم بیرون بیایم. قبل از رسیدن اورژانس با خودرو سواری یکی از اهالی محل به بیمارستان رسانده شدم و بلافاصله زیر دوش نشستم. چون سوختگی من شدید بود و عمق زیادی داشت داروهای متعددی تزریق کردند و از آنجا به بعد را یادم نیست تا اینکه در بخش مراقبت‌های ویژه به هوش آمدم.

● **وقتی برای نجات جان آن نوجوان اقدام کردید فکر می‌کردید ماجرا به اینجا ختم شود؟**

آن لحظه این‌طور فکر نمی‌کردم اما من و همکارانم هر روز صبح که سر کار می‌رویم به چنین چیزهایی فکر می‌کنیم. ما فقط با نیت بسازی والیبال و صبح را شب‌کردن سر کار نمی‌رویم. ما هر روز در مراسم صبحگاه متنی را می‌خوانیم و قسم می‌خوریم هرجا که نیاز باشد از جان‌مان بگذریم، نه‌تنها من بلکه همه آتش‌نشانان همین‌طور هستند و اتفاقی که برای من رخ داد تنها حادثه در میان آتش‌نشانان نیست. خیلی از همکارانم سوخته یا از ارتفاع پرت شده‌اند.

حوادث

گفت‌وگو با آتش‌نشانی که تندیس «شجاعت و ایثار» گرفت

احتمال داشت کشته شوم



عکس:

بشگاه خبرنگاران

۴ روند درمان چطور پیگیری می‌شود؟

یک‌ماه‌وچندروز در بیمارستان بودم از این مدت تا ۱۰روز بی‌حرکت بودم. چون پوست پایم را برداشته و روی صورتم گذاشته بودند و راه‌رفتن برابرم خیلی مشکل بود. بعد از آن هم انگشتانم محدودیت حرکتی داشت و الان با فیزیوتراپی بهتر شده‌ام اما هنوز بخش عمده درمانم که جراحی‌های پلاستیک است انجام نشده و شش‌ماه تا یک‌سال دیگر آغاز خواهد شد

چون سوختگی من از نوع درجه‌سه بود و پوست باید به حالت بهبود نسبی برسد تا بتوان مراحل بعد را آغاز کرد.

۴ هزینه‌های درمان چطور تامین می‌شود؟

تا الان سازمان آتش‌نشانی، استانداری و فرمانداری حمایت‌های خوبی کرده و از نظر مالی کم نگذاشته‌اند اما اصل ماجرا از این به بعد است چون سنگین‌ترین هزینه‌های مراحل درمانم باید پرداخت شود. همه جراحی‌ها، جراحی پلاستیک هستند و چون جزو جراحی زیبایی به شمار می‌روند حتی بیمه ما که بیمه طلایی است آن را پوشش نمی‌دهد. رییس سازمان و رییس شورای شهر قول‌هایی به ما داده‌اند که امیدوارم به وعده‌هایشان عمل کنند.

● **چندسال داری و چندسال است که در این شغل مشغول هستی؟**

۲۶سال دارم. سال‌۸۹ در رشته مکانیک فارغ‌التحصیل



سید غیل از دادگاه

۴ چه شد که آتش‌نشان شدی؟

یکی از دوستانم آتش‌نشان بود و من چندباری به ایستگاه‌شان رفته و با دوستانتش صحبت کرده بودم و شناخت مختصری از این شغل داشتم. این ماجرا ادامه داشت و من دنبال این کار بودم تا اینکه دوستم به من گفت

سازمان استخدام را شروع کرد، من هم برای استخدام اقدام کردم و وارد سازمان شدم.

● **به‌خاطر علاقه شخصی وارد این شغل شدی یا امرامعاش مجبورت کرد؟**

وقتی تصمیم گرفتم وارد سازمان شوم، حدود پنجه‌ماه بود که دنبال کار می‌گشتم و شغل مناسبی پیدا نمی‌کردم. سرانجام وقتی دیدم استخدام آتش‌نشانی شروع شده است، اقدام کردم. در مرحله اول امرامعاش مجبورم کرد؛ اما بعد که وارد شدم به‌شدت علاقمند شدم طوری که الان آن را با هیچ شغل دیگری عوض نمی‌کنم. اگر بخواهم صادقانه بگویم اولش مجبورم شدم و بعد علاقمند.

● **الان چه می‌کنی؟**

احتمال دارد ی‌کی، دوماه دیگر سر کار برگردم اما تا آن موقع محدودیت‌هایی دارم و مجبورم لباس‌های مخصوصی بپوشم و ماسک بزنم. گرد و خاک و آفتاب

برای پوستم ضرر دارد.

۴ روزهایت را چطور سپری می‌کنی؟

روزها از خانه بیرون نمی‌روم تا آفتاب به پوستم نخورد. الان دانشجوی فوق‌لیسانس هستم و شش‌واحد درسی‌ام مانده. آنها را می‌خوانم و روی پایان‌نامه‌ام کار می‌کنم و آخر شب از خانه بیرون می‌روم و ورزش و پیاده‌روی می‌کنم.

● **وقتی این شغل را شروع کردی به چنین روزهایی فکر می‌کردی؟**

به‌هرحال هر کاری سختی‌های خاص خودش را دارد من از کمک‌کردن به مردم لذت می‌برم. همه آتش‌نشانان این‌طور هستند. ریسک این کار زیاد است و مجبوریم آن را بپذیریم. الان هم پشیمان نیستیم و حتی نمی‌گویم کاش نرفته بودم. اتفاقات خیلی بدتر از من هم برای آتش‌نشانان افتاده است. یکی از هم‌ایستگاهی‌های من شب ازدواجش از ارتفاع سقوط کرد و دست، کمر و صورتش به‌شدت آسیب دید با وجود این بعد از آن باز هم سر کارش برگشت اما چیزی که باعث می‌شود من و همکارانم این شغل را ترک نکنیم پول نیست چون الان یک شاگرد مغازه هم ۸۰۰، ۹۰۰هزار و حتی یک‌میلیون تومان می‌گیرد اما چیزی که باعث می‌شود ما این خطر‌ها را به جان بخریم عشق و علاقه است. پول نمی‌تواند ما را نگه دارد.

● **آیا فکر می‌کنی سهل‌انگاری و بی‌توجهی خودت یا خطای انسانی دلیل این اتفاق بود؟ به هر حال در امداد، یک اصل وجود دارد که اول باید خودت زنده بمانی تا بتوانی کسی را نجات بدهی.**

اگر در همان لحظه اول تغلل می‌کردم ممکن بود اصلا برای پیداکردن آن پسر نروم؛ اما فقط ۱۰درصد احتمال داشت حریق اطفا شود و برای کسی هم اتفاقی نیفتد. گفته شما کاملاً درست است، احتمال داشت من در این حادثه کشته شوم. در آن لحظه از لحاظ عقلانی یک چیز درست است ولی در عین حال شرایط جوری است که نمی‌توان عقلانی رفتار کرد. توضیحش سخت است، به هر حال من این کار را کرده‌ام و پشیمان هم نیستم

● **آیا احتمال این وجود داشت که اگر تو این کار را نمی‌کردی آن نوجوان نجات پیدا می‌کرد؟**

احتمالش وجود داشت اما در چنین شرایطی نمی‌توان ریسک کرد. وقتی من رسیدم آن نوجوان در پاگرد گیر کرده بود بنابراین او را به پشت‌بام هدایت کردم و وقتی خودم می‌خواستم بروم، آتش زیانه کشید و من نتوانستم خارج شوم.

در خواست قصاص

در ملأعام برای قاتل ۳ کودک

دیدم، او با چاقویی خون‌آلود به‌سمت من حمله کرد و بدون اینکه چیزی بگوید دو ضربه به شکمم زد و بعد به سمت اتاق‌های خانه ما رفت. خون زیادی از من رفت سعی کردم وارد خانه شوم و جلوی مهرداد را بگیرم اما قبل از رسیدن من او ضربات چاقو را به دخترم زده بود. صدای فریاد پسرم را شنیدم. بلافاصله پسرم به خیابان دوید من هم سعی کردم پشت سرش بروم مهرداد دنبال او بود وقتی به خیابان رسیدم دیدم روی سینه پسرم

نشسته و پشت‌سر هم به سینه او چاقو می‌زند.

این زن گفت: چندسال قبل شوهرم فوت شد و من بچه‌هایم را با خون دل بزرگ کردم. خودم کار می‌کردم و همه زندگی‌ام را برای بچه‌هایم گذاشته بودم. ما با مهرداد هیچ اختلافی نداشتیم تا آن روز کوچک‌ترین بی‌احترامی هم بین ما اتفاق نیفتاده بود و اصلاً نمی‌دانم چرا به ما حمله کرد. انگیزه‌اش هر چه بود باید تاوانش را پس بدهد. من برای پسرم درخواست قصاص در ملأعام دارم اما برای دخترم چون باید تفاضل دیه را بپردازم، قصاص نمی‌خواهم و درخواست دیه می‌کنم، دیه را هم که بگیرم به حساب آموزش‌وپروورش واریز می‌کنم تا به بچه‌های بی‌ضاعت کمکی شود.

از آنجایی که همسر متهم به‌عنوان ولی دم دخترش در دادگاه حاضر نشده بود متهم در جایگاه قرار گرفت او اتهام قتل دو کودک همسایه، دختر خودش و ایراد جرح عمدی به همسرش و زن همسایه را پذیرفت و گفت: هیچ چیز از ماجرا به یاد ندارم فقط یادم می‌آید به آشپزخانه رفتم چاقویی برداشتم و حمله کردم اما اصلاً یادم نمی‌آید ضربات را چطور وارد کردم. هیچ انگیزه‌ای هم نداشتم مدتی بود بیکار بودم زنم کار می‌کرد و خرجی خانه را می‌داد آن روز خیلی عصبی شدم با اینکه دعواپی بین من و زنم نبود از اول دوست نداشتم زنم با کسی رفت‌وآمد کند و هشدار داده بودم روی حرفم زنم نزنم. متهم گفت: وقتی در زندان برای هم‌بندی‌هایم تعریف کردم چه کار کرده‌ام ناگفتند این رفتار‌ها از علایم مصرف شیشه است، درحالی‌که من اصلاً شیشه مصرف نکرده بودم، شاید زنم در غذایم شیشه ریخته باشد و بخواهد من را خراب کند البته نمی‌دانم به چه دلیلی ممکن است اینکار را کرده باشد. متهم همچنین در آخرین دفاعیاتش گفت: من هیچ پولی ندارم که برای دیه بپردازم و همان یک‌بار قصاص که شاک‌ی برای پسرش درخواست کرده را قبول می‌کنم و هیچ پولی به همسرم و این زن نمی‌دهم. هیات قضا به پایان جلسه رسیدگی برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

رخداد

افزایش زنان سارق

● **ایسنا:** رییس پلیس آگاهی ناجا از افزایش جرایم زنان خبر داد و گفت آنچه به‌عنوان تنبیه جرم درنظر گرفته می‌شوددیگرمتنبیه‌کننده‌نیست. سردارمحمدرضامقیمی، خاطرنشان کرد: ۴۳درصد از سارقاتی که دستگیری می‌شوند سارقان حرفه‌ای و دارای سابقه هستند که این نشان می‌دهد این افراد پس از دستگیری اصلاح نشده‌اند و آنچه که به‌عنوان تنبیه جرم در نظر گرفته می‌شود،متنبیه‌کننده نیست. مقیمی در ادامه با بیان اینکه تعداد سارقان زن در حال افزایش است، تصریح کرد: از مجموع تمامی مجرمان حدود پنج‌درصد را زنان تشکیل می‌دهند که این رقم در حوزه سرقت بالغ بر دودرصد است. این در حالی است که زمانی که خود من در معاونت مبارزه با سرقت خدمت می‌کردم، رقم سارقان زن زیر یک‌درصد بود. وی با اشاره به بحث جمع‌آوری معنادان و ارتباط آن با سرقت تصریح کرد: یکی دیگر از مواردی که روی آن تأکید داشتیم بحث جمع‌آوری معنادان بود. به‌هرحال بخشی از جرم سرقت، آن‌هم سرقت‌های خرد از سوی معنادان انجام می‌شود که می‌توان با جمع‌آوری و سالم‌دهی معنادان در کمپ جلو وقوع سرقت را گرفت.

ادامه رازنی‌ها برای گذشت اولیای دم از قصاص ریحانه

● **میزان:** رییس کل دادگستری استان تهران گفت: رازنی‌ها و پیگیری‌ها برای گذشت اولیای دم از قصاص ریحانه جاری همچنان ادامه دارد و چنانچه اولیای دم از حق شخصی خود گذشت کنند، نسبت به حکم ریحانه جاری تجدیدنظر می‌شود. غلامحسین اسماعیلی اظهار کرد: اگر اولیای دم ریحانه جاری گذشت نکنند چون موضوع قصاص، حق‌الناس است دستگاه قضایی وظیفه دارد برابر قوانین جاری کشور نسبت به اجرای حکم عمل کند. وی گفت: جزئیات این پرونده توسط سخنگوی قوه قضاییه اعلام شده و درخصوص بحث استمهال، نتیجه آن به نظر اولیای دم بستگی دارد، چراکه دلایل کافی در پرونده وجود دارد که وی یک انسان را کشته و مرتکب قتل عمد شده است. وی افزود قانون برای اولیای دم حقی را در نظر گرفته است که از دادگاه تقاضای قصاص کنند و تاکنون اولیای دم مقتول اصرار بر قصاص دارند. رییس کل دادگستری استان تهران اظهار امیدواری کرد اولیای دم گذشت کنند و ریحانه جباری از قصاص رهایی یابد. غلامحسین اسماعیلی همچنین گفت: اجرای بسیاری از احکام صادره از سوی دادگاه کیفری استان تهران در زمینه قصاص با گذشت اولیای دم در آخرین ساعات قبل از اجرا منتهی می‌شود. در هفته گذشته اجرای چهارمورد حکم قصاص با پیگیری دستگاه قضایی با گذشت اولیای دم منتهی شد.

آزادی تاجر ایرانی ربوده‌شده در افغانستان

● **ایرنا:** فرمانده انتظامی خراسان رضوی گفت: تاجر ایرانی‌ای که در افغانستان ربوده شده با تلاش ماموران انتظامی خراسان رضوی از چنگ آذمربا نجات یافت. سردار «بهمن امیری‌مقدم» توضیح داد: ایسن تاجر مواد غذایی، برای عقد قرارداد به مرزهای شرق کشور عزیمت کرده و از طریق مرز دوغان‌رو به افغانستان رفته بود. وی اظهار داشت: کار آگاهان پلیس آگاهی با پیگیری عملیاتی، موضوع را به پلیس بین‌الملل و وزارت امورخارجه اعلام کردند به‌تفقه وی، اعضای باند آذمربا دست‌نشانده به‌طور همزمان تاجر دیگری را نیز برانیدند و با اخاذی از دو خانواده پول کلانی به جیب بزنند اما با اشراف اطلاعاتی پلیس بر موضوع گروه‌کابگیری دوم این باند، طمعه دوم از نیت آذمربایان اطلاع یافت و از میانه راه بازگشت و از چنگ آنان گریخت. فرمانده انتظامی خراسان‌رضوی گفت: با نقشه پلیس، خانواده تاجر ایرانی ربوده‌شده مبلغی به شمارحساب بانکی آذمربایان واریز و آنان گروگان را آزاد کردند وی افزود: با آزادی تاجر ۳۹ساله بلافاصله حساب بانکی آذمربایان مسدود شد و متهمان که نتوانستند وجهی دریافت کنند متواری شدند. سردار امیری‌مقدم گفت: تحقیقات گسترده برای شناسایی و دستگیری آذمربایان با توجه به سرنخ‌های موجود ادامه دارد.

جرخ هواپیمایی در شیراز ترکید

● **ایرنا:** ترکیدگی چرخ عقب ایرباس ۳۲۰ در فرودگاه بین‌المللی شهید آیتالله دستغیب شیراز که قصد پرواز به مقصد تهران را داشت، باعث زمینگیرشدن این هواپیما شد. یک منبع آگاه گفت: این هواپیما به شماره پرواز ۴۲۳ و متعلق به شرکت ایران‌ایر که بنا بود ساعت ۱۲:۳۰روژ چهارشنبه با ۱۵۰ مسافر شیراز را به مقصد تهران ترک کند با یک ساعت تأخیر در ساعت ۱۳:۳۰ اقدام به پرواز کرد و با این حادثه مواجه شد. وی که خواست نامش در خبر برده نشود، بیان کرد: به محض حرکت این هواپیما روی باند فرودگاه و اقدام برای برخاستن، ترمزهای چرخ عقب آن قفل و فشار زیادی به چرخ‌های آن وارد شد. وی افزود، به‌محض بروز این حادثه و توقف هواپیما، واحد تهمپیات ایمنی زمینی فرودگاه اقدام به پاشیدن کف به اطراف هواپیما کردند و در این حین چرخ این هواپیما نیز دچار ترکیدگی و صدای مهیب حاصل از آن نیز موجب وحشت مسافران این پرواز شد.

بریده‌اخبار

◀ **زن ۶۰ساله مبتلا به اختلال حواس در حال تردد**

روی ریل راه‌آهن در شاهرود استان سمنان، با قاطر مسافربری بر خورد کرد و جان باخت.